

## بررسی تأثیرات تبعیض جنسیتی بر میزان مشارکت پذیری زنان روستایی (منطقه مورد مطالعه: دهستان‌های گل‌مکان و رادکان شهرستان چناران)

طاهره صادقلو<sup>۱\*</sup>، شادی خوب<sup>۲</sup>، شیرین صاحبی<sup>۳</sup>

### چکیده

در جهان امروز، کسب شخصیت اجتماعی وابسته به مشارکت و خارج شدن از دایره فعالیت‌های شخصی در جهت توسعه امری ضروری است. از این‌روست که مشارکت زنان به‌منزله بخش مهمی از نیروی توسعه و نابرابری جنسیتی به‌منزله یکی از مسائل و مشکلات مهم جامعه شناخته شده است. زنان روستایی، به‌عنوان عناصر تأثیرگذار فضاها روستایی، به علت ناآگاهی از حقوق خود تا حد زیادی در معرض این تبعیض قرار دارند. از این‌رو، هدف مطالعه حاضر بررسی تأثیرات تبعیض جنسیتی بر میزان مشارکت‌پذیری زنان روستایی است. روش‌شناسی تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده که به صورت کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. از روش پیمایشی در قالب ۱۱۶ پرسش‌نامه خانوار، به بررسی افراد نمونه در ۱۰ روستا از دهستان‌های رادکان و گل‌مکان شهرستان چناران پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان داده که براساس آزمون<sup>۱</sup>، بیشترین اثر تبعیض جنسیتی بر کاهش میزان مشارکت اقتصادی زنان روستایی با میانگین رتبه‌ای ۳/۵۳ است. همچنین نتایج آزمون رگرسیون نشان‌دهنده اهمیت نسبی تبعیض جنسیتی بر مشارکت‌پذیری زنان است. از این‌رو، می‌توان گفت از آنجا که زنان روستایی در زمینه اقتصاد روستا مشارکت زیادی دارند و در زمینه‌های دامداری، کشاورزی، باغداری و... همیای مردان کار می‌کنند، در زمینه اقتصادی بیشترین تبعیض را به خود اختصاص داده‌اند، زیرا با وجود مشارکت فراوان در این زمینه از امکانات و مزایای اقتصادی بهره‌چندانی نمی‌برند.

### کلیدواژگان

توسعه روستایی، تبعیض جنسیتی، دهستان‌های گل‌مکان و رادکان، زنان روستایی، شهرستان چناران، مشارکت.

۱. استادیار گروه جغرافیا دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

tsadeghloo@um.ac.ir

shadi@vatanmail.ir

s\_sahebi1994@yahoo.com

۲. دانشجوی ارشد جغرافیا دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد

۳. دانشجوی ارشد جغرافیا دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱۷

## بیان مسئله

زنان روستایی شرکت‌کنندگان فعال در فرایند توسعه‌اند؛ به گونه‌ای که رسیدن به توسعه روستایی بدون مشارکت زنان و تأمین نیازهای آنان در این عرصه ممکن نیست. بنابراین، پرداختن به این مسئله از ضرورت‌های توسعه و برنامه‌ریزی روستایی است [۲]. در سراسر جهان، زنان روستایی به طور گسترده در فعالیت‌های اقتصادی دخیل‌اند؛ به گونه‌ای که در برخی از نقاط جهان مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی بیشتر از مردان است و برابری خود را با همتهای مردانه خود اثبات کرده‌اند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که زنان به طور متوسط می‌توانند به مدت ۱۲ تا ۱۵ ساعت در روز در فعالیت‌های مختلف اقتصادی و کارهای خانگی کار کنند [۲۷]. تخصیص مزایای برابر توسط سازمان‌های تولیدکننده می‌تواند در انجام بهتر امور توسط زنان مؤثر باشد و مهم است که هر دو گروه مردان و زنان توانایی شرکت در جلسات، فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری را داشته باشند. مهم‌تر از همه شواهدی وجود دارد که وقتی زنان فعالانه در سازمان‌های تولیدکننده شرکت می‌کنند و به درآمد و مزایا دسترسی دارند، می‌تواند تأثیرات جانبی مثبت در سطح خانوار داشته باشد؛ مثلاً، در نیکاراگوئه، بیکن (۲۰۱۰) دریافت که درصد کودکان دبستانی که در کلاس حضور داشتند برای مادرانی که در تعاونی شرکت داشتند نسبت به کودکانی که مادرانشان در تعاونی شرکت نکرده بودند بیشتر بود. این توانایی حتی زنان را قادر می‌سازد مسئولیت‌های مربوط به هزینه‌های مردانه مانند بهبود مسکن را برعهده بگیرند [۲۴]. اما به‌رغم حضور و فعالیت‌های گسترده زنان، همواره نابرابری جنسیتی در برخورداری از مزایای این مشارکت از مسائل مهم در حوزه حقوق زنان بوده است. میحث نابرابری جنسیتی را باید از تفاوت جنسیتی مجزا کرد. تفاوت‌های جنسیتی واقعی‌تری تأثیرگذار بر پتانسیل‌ها و توانمندی‌های این دو گروه است؛ درحالی‌که نابرابری‌های جنسیتی به عدم برقراری عدالت بین این دو گروه در یک شرایط یکسان و فعالیت مشابه اشاره دارد [۲۱]. یکی از الزامات اصلی دموکراسی مشارکت برابر و اقتدار و اختیار برای همه اقشار است؛ درحالی‌که گروه‌هایی مانند زنان با قدرت کمتر در جامعه کمتر صحبت می‌کنند و در نتیجه حامل قدرت کمتر در شور و مشورت هستند. تفاوت‌های جنسیتی در مشارکت گفتاری یک نشانگر مربوط به نابرابری‌های اجتماعی و سیاسی است [۲۵]. اغلب کشورهای فقیر یا بخش عمده‌ای از آن‌ها دارای خصایص فرهنگی هستند که برتری‌بخشی به جنس مرد را تشدید می‌کند [۲۳]. در کنار همه تأثیرات فرهنگی و اجتماعی، تبعیض جنسیتی می‌تواند تأثیرات بسیاری در فرایند توسعه‌یافتگی جوامع اعم از شهری و روستایی به همراه داشته باشد که یکی از تأثیرات مهم آن، کاهش مشارکت زنان به‌عنوان بخش عمده‌ای از جامعه است. در این میان، شاید در بسیاری از روستاها سطح این نابرابری بیشتر از فضاهای شهری نیز باشد؛ به گونه‌ای که برخورداری زنان از

سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی برای دستیابی آنان به پایگاه‌های اجتماعی مناسب و برابر با مردان کافی نیست. موانع سیاسی و ایدئولوژیک نیز در کنار موانع اجتماعی و فرهنگی در این رهگذر نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کنند [۱۶]. در فضاهای روستایی، با توجه به مشارکت زنان در بسیاری از فعالیت‌های خانواده و در کنار سرپرست خانوار، این نابرابری نمود بیشتری و متفاوت‌تری می‌یابد. در این زمینه، فعالیت‌هایی که از سوی زنان روستایی در کشاورزی معیشتی، بازارهای کار محلی، مزارع و دامداری و همچنین در تولید صنایع دستی و خانه‌داری انجام می‌گیرد، در اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی کشور نادیده گرفته می‌شود. به نظر راجرز، در ارزشیابی کار زنان روستایی، اطلاعات آماری و جمعیتی، کار زنان روستایی را غیرشفاف و به‌منزله کار افراد خانواده بدون دستمزد قرار داده است [۵]. از این رو، مقاله حاضر بر آن است که به بررسی میزان نابرابری جنسیتی موجود و تأثیرات آن بر میزان مشارکت زنان در نواحی روستایی شهرستان چناران در عرصه‌های مختلف بپردازد.

### پیشینه تحقیق

تبعیض جنسیتی در رابطه با زنان در بسیاری از کشورها، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، به طور فزاینده‌ای به چشم می‌خورد؛ که این موضوع میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف را بسیار تحت تأثیر خود قرار داده است. در اینجا به بررسی چند مطالعه صورت گرفته پیرامون موضوع مطالعه‌شده پرداخته شده است (جدول ۱). سائیکیا<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای به بررسی تحول تبعیض جنسیتی روستایی و توانمندسازی زنان در آسام پرداخته است که بیانگر مشکلات سیستماتیک و غیر قابل مشاهده در مورد وضعیت زنان است. به دلیل برخی از این تبعیض‌ها، زنان هندی، به‌خصوص در طول دوران کودکی و در سنین باروری، مرگ‌ومیر بالایی دارند. کارپویتز<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۲) در مطالعه نابرابری جنسیتی در مشارکت مشورتی به بررسی شکاف جنسیتی بین زنان و مردان پرداخته‌اند. شکاف جنسیتی درخور توجهی در صدا و اقتدار بین زنان و مردان یافت شده است، اما به‌عنوان فرضیه، آن تحت حاکمیت چند زن به اتفاق آرا یا تحت حکومت اکثریت و بسیاری از زنان از بین می‌رود. طراحی مشورتی یا مشارکتی می‌تواند از اتصال نابرابری روش‌های نهادی به بافت اجتماعی اجتناب کنند. در مطالعه‌ای دیگر، هاندرآگاما<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۳) بر بررسی مشارکت اقتصادی زنان در توسعه روستایی پرداخته‌اند که براساس نتایج زنان با تغییر مواضع خود از باروری به فعالیت‌های تولیدی تغییرات درخور توجهی در مناطق روستایی ارائه داده‌اند. آن‌ها در کار دستمزد، کار

1. Saikia
2. karpowitz
3. Handaragama

دولت و بخش خصوصی و در بخش کشاورزی شاغل بودند و وضعیت خوب و قدرت با توجه به قدرت اقتصادی دریافت کرده بودند. اگرچه زنان قدرت اقتصادی دریافت کرده بودند، مردان هنوز هم بر دریافت رهبری خانگی و مالکیت دارایی ادامه می‌دادند.

والینو سز و آلونسو سالگادو<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) در تجزیه و تحلیل حقوقی از تبعیض علیه زنان در ارتباط با مالکیت مشترک در مزارع دریافتند که تفاوت‌های بزرگ زنان با توجه به مردان در زمینه‌های گوناگون در میان جهان روستایی شروع می‌شود. هدف از این موضوع بررسی مقایسه‌ای است که ترویج و برابری بین زنان و مردان در زمینه روستایی را از طریق به رسمیت شناختن قانونی و اقتصادی مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های کشاورزی تسهیل کند. تودورا<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۵) و پونتیوس و مورس<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) هر یک در مطالعاتی به بررسی شاخص‌ها و جنبه‌های مختلف نابرابری جنسیتی پرداخته‌اند که شاخص‌های نابرابری جنسیتی در حوزه‌ای خاص از کشور بالکان شامل: کلیشه‌های فرهنگی، بهداشت باروری، بیکاری، طول عمر بوده است. همچنین ابعاد مختلف نابرابری اقتصادی بین زنان و مردان و نابرابری جنسیتی در دسترسی به خوداشتغالی، شکاف جنسیتی در حقوق بازنشستگی و موضوع در حال ظهور از شکاف جنسیتی در ثروت را شامل می‌شود.

بالیامون لوتز و مس گیلیورای<sup>۴</sup> (۲۰۱۵) در بررسی اثر نابرابری جنسیتی در آموزش بر درآمد در افریقا و خاورمیانه دریافتند که نابرابری جنسیتی در آموزش ابتدایی و متوسطه اثری منفی آماری درخور توجه بر درآمد، به‌ویژه در کشورهای شرقی در شمال افریقا و خاورمیانه، دارد. در اقتصادهای نسبتاً باز، نابرابری جنسیتی در آموزش و پرورش به نظر می‌رسد یک اثر اضافی دارد، اما این اثر به طور مداوم مثبت است.

همچنین، نتایج مطالعه پاتریشیا هومن<sup>۵</sup> (۲۰۱۷) بر رابطه نابرابری جنسیتی سیاسی و مرگ‌ومیر نوزادان در ایالات متحده (۱۹۹۰-۲۰۱۲) نشان می‌دهد درصد بالاتری از زنان در مجالس ایالتی، هم بین ایالت‌ها و هم در درون ایالت‌ها، به مرور زمان همراه هستند. طبق پیش‌بینی‌های مدل، اگر زنان در مجالس ایالتی با مردان برابر باشند، تعداد مرگ‌ومیر نوزادان در آمریکا در سال ۲۰۱۲ تقریباً ۱۴/۶ درصد (۴۷۸/۳ مرگ نوزاد) کمتر است. این یافته‌ها بیانگر اهمیت نمایندگی سیاسی زنان برای سلامت مردم است. کریستیانو پروژینیا و مارکو ولادیسلاویچ<sup>۶</sup> (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای به بررسی نابرابری جنسیتی و تناقض

- 
1. Valino Ces & Alonso Salgado
  2. Tudora
  3. Ponthieux & Meurs
  4. Balamouni-luts & Mc Gillivray
  5. Patricia Homan
  6. Cristiano Perugini & Marko Vladislavljevic

رضایت مندی شغلی- جنسیتی در اروپا پرداخته است که نتایج شواهد گسترده و قوی از رابطه بین قرار گرفتن در معرض محیطی با برابری جنسیتی در مراحل اولیه زندگی و شکاف جنسیتی کمتر در رضایت مندی شغلی ارائه می‌دهد و این فرضیه را تأیید می‌کند که زنانی که در محیط‌هایی با برابری جنسیتی بزرگ شده‌اند، انتظار دارند با همکاران جنس مخالف خود برابر و هم‌تراز باشند. صداقتی فرد و سخامهر (۱۳۹۲) نیز در بررسی تأثیر نابرابری جنسیتی در میزان مشارکت اجتماعی زنان دریافتند که سطح احساس نابرابری جنسیتی دانشجویان مورد مطالعه از وضعیت بالایی برخوردار است و بین ابعاد مختلف نابرابری جنسیتی اعم از حقوقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بیشترین میزان احساس نابرابری مربوط به نابرابری حقوقی است. همچنین، سطح مشارکت رسمی و غیررسمی دانشجویان وضعیت پایینی دارد. بین ابعاد حقوقی، اجتماعی و اقتصادی متغییر نابرابری جنسیتی و متغیر مشارکت اجتماعی رابطه معناداری مشاهده نشد. در مورد بعد سیاسی نابرابری جنسیتی، رابطه معنادار و معکوس با مشارکت اجتماعی دیده می‌شود. همان‌طور که در مطالعات پیشین بیان شده است، تبعیض جنسیتی در کل جهان در ابعاد گوناگون قابل مشاهده است. هرچند در حال حاضر در بسیاری از مناطق دنیا از برابری بین زن و مرد صحبت می‌شود و گروه‌هایی برای حمایت از زنان تشکیل شده‌اند، هنوز در برخی مناطق، به‌خصوص مناطق روستایی، زنان و مردان ارزش‌ها و منافع برابر و هم‌تراز باهم ندارند. از این‌رو، هدف این مطالعه بررسی تأثیراتی است که تبعیض جنسیتی بر میزان مشارکت اجتماعی زنان در نواحی روستایی دارد.

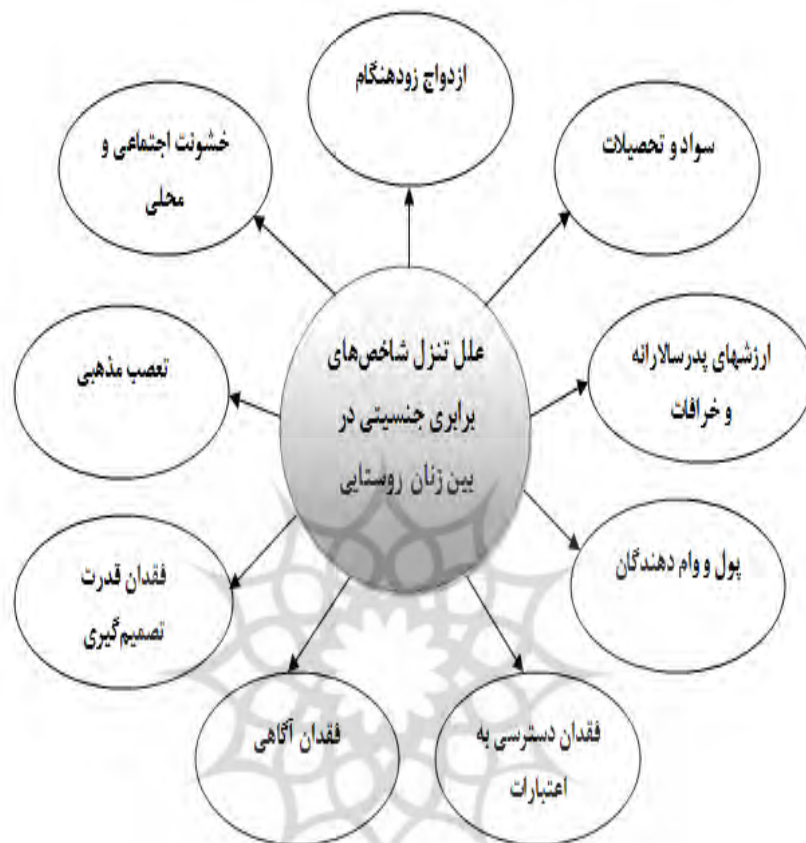
## مبانی نظری

مطالعات درباره توسعه تاریخچه‌ای طولانی ندارد و بیشتر به سال‌های ۱۹۵۰ بازمی‌گردد [۱۵]. توسعه در مفهوم کلی خود به معنای ارتقا سطح مادی و معنوی جامعه انسانی و ایجاد شرایط مناسب یک زندگی سالم برای همه افراد جامعه است. بانک جهانی توسعه روستایی را راهبردی به منظور بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی گروه خاصی از مردم یعنی روستاییان می‌داند [۳]. براساس این تعاریف، بخشی از این گروه‌های خاص شامل زنان می‌شود که در فرایند توسعه نیازمند حقوق و دارای تأثیرات درخور توجهی هستند. بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد که زنان به دلیل زن‌بودن بیشتر در معرض فقر و نابرابری‌های جنسیتی و در نتیجه انواع آسیب‌ها قرار دارند. جنسیت اغلب در همه عرصه‌های برنامه‌ریزی‌های کشورهای از جمله بهداشت، سلامت، آموزش، اقتصاد، سیاست و مانند آن نادیده گرفته می‌شود. برای رسیدن به توسعه روستایی باید تبعیض‌ها و نابرابری‌های نژادی، فرهنگی، جنسیتی، قومی، دینی و نظایر آن ریشه‌کن شود [۹].

برابری جنسیتی و توسعه، به‌طور متقابل، تقویت می‌شوند؛ مثلاً، در آموزش و پرورش و در موارد دیگر، آموزش زنان یک سرمایه‌گذاری خوب است که درآمد ملی را می‌آفریند و درآمد بالاتر به نوبه خود به برابری جنسیتی منجر می‌شود [۱۴].

جنسیت به‌منزله یک اصل سازمان‌دهی روابط اجتماعی عمل می‌کند و باورهای فرهنگی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد [۱۶]. جنسیت به نقش‌های اجتماعی و وضعیت تفاوت بین زنان و مردان در یک جامعه اشاره دارد. این نقش‌ها از سوی سازمان‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یک جامعه و هنجارهای غالب مذهبی، اخلاقی و قانونی تعیین می‌شود. جنسیت رابطه میان افراد اجتماعی در زمینه‌های مشخص را تشکیل می‌دهد و به‌منزله یک اصل سازمان‌دهی روابط اجتماعی در حوزه‌های مختلف زندگی عمل می‌کند [۱۰؛ ۱۶]. برای سال‌ها این باور وجود داشت که ویژگی‌های مختلف، نقش و جایگاه زنان و مردان در جامعه به وسیله جنس تعیین می‌شود و این نقش‌ها ذاتی است و تغییر نمی‌کند. این باورها به مرور زمان به یک اصل جهت‌دهنده به افکار عموم در خصوص حقوق زنان و مردان تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که به‌رغم گذشت سده‌ها، سبب شکل‌گیری اهرم‌های بازدارنده از حضور زنان در برخی نقش‌ها و فعالیت‌ها و همچنین شکل‌گیری نوعی نابرابری و تبعیض بین این دو جنس شده است.

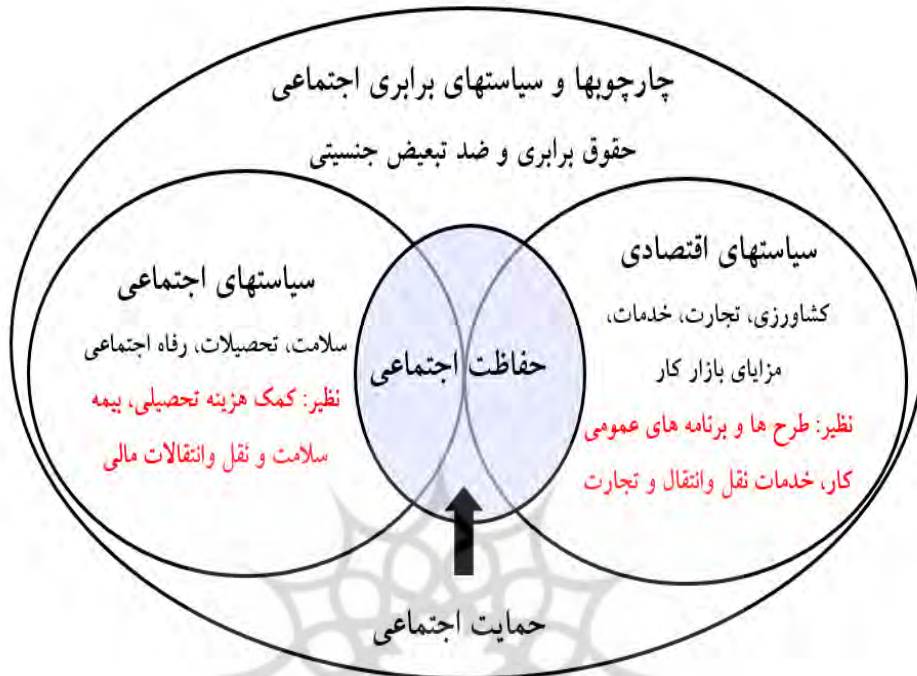
در سراسر جهان، زنان با معایب بسیاری از عوامل اجتماعی، که دین و فرهنگ بر آن‌ها تحمیل می‌کند، رنج می‌برند. این معایب و تفاوت‌ها از کشوری به کشور و از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است، اما، با این حال، ثابت شده که زنان و دختران در کشورهای فقیر، به‌ویژه در مناطق روستایی، تجربه یک نابرابری جنسیتی به‌یادماندنی در سراسر جوامع را دارند. لایه‌هایی از نابرابری برای زنان در همه سطوح اجتماعی و اقتصادی در قالب فقدان فرصت برای دسترسی به آموزش، بهداشت، درآمد و نفوذ سیاسی وجود دارد که این پدیده را در بسیاری از کشورهای در حال توسعه می‌توان مشاهده کرد [۱۸]. مطالعات نشان می‌دهند که عوامل بسیاری در ایجاد و تشدید این نابرابری تأثیرگذارند (شکل ۱) و این مقوله به‌هیچ‌وجه به کشورهای فقیر منحصر نیست. با این حال، تفاوت در بهداشت، آموزش و قدرت چانه‌زنی در ازدواج و... بین زنان و مردان در کشورهای با تولید ناخالص داخلی پایین (کشورهای فقیر) بیشتر است [۲۳].



شکل ۱. عوامل مؤثر بر تنزل شاخص‌های برابری جنسیتی بین زنان روستایی  
(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸)

در مجموع، در دیدگاهی کلی و جامع‌تر، فرهنگ، قوانین اجتماعی و سیاسی از جمله مهم‌ترین عوامل ایجاد و تشدید نابرابری جنسیتی هستند. در جامعه‌ای که حق برخورداری از تحصیلات در مردان به زنان ارجحیت داشته باشد، بی‌شک بروز چنین تبعیضی پنهان نخواهد بود. آنچه اهمیت برابری جنسیتی را در اجتماعات برای زنان بیشتر می‌کند ارتباط شاخص‌های برابری جنسیتی با حمایت و محافظت اجتماعی<sup>۱</sup> است (شکل ۲). به عبارتی، تحقق برابری جنسیتی با افزایش شاخص‌های سلامت، رفاه و تحصیلات در بعد اجتماعی و شاخص‌های سود حاصل از تجارت، بازار کار و خدمات در بعد اقتصادی برای زنان است [۲۲].

1. social protection



شکل ۲. نقش سیاست‌های اجتماعی برابری جنسیتی در حمایت و حفاظت اجتماعی زنان [۲۲]

با توجه به شکل ۲، عوامل کلیدی برابری جنسیتی شامل جامعه، اقتصاد و بازار و وظایف مدیریت خانواده است. به عبارتی، در سطح جامعه برابری جنسیتی در گروه مشارکت سیاسی و مدنی زنان در مقایسه با مردان در سطح اقتصاد و بازار به میزان دسترسی به زمین، خدمات مالی، بازار کار و تکنولوژی و دارایی و در زمینه وظایف خانوادگی شامل مدیریت منابع خانواده، تخصیص وظایف و باروری و تربیت فرزندان بوده است که همه این‌ها بر یکدیگر و در نهایت بر مجموع عملکرد اقتصادی (کاهش فقر و رشد) تأثیرگذار است.

- افزون بر موارد بیان شده، در گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۵ برخی شاخص‌های نمایانگر نابرابری زنان و مردان تحت قانون در بسیاری از کشورها به شرح ذیل مطرح شده است:
- حق ملیت: در بسیاری از کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا، زنان که با اتباع خارجی ازدواج می‌کنند نمی‌توانند حق شهروندی خود را به شوهرانشان انتقال دهند، هرچند مردان در موقعیت‌های مشابه می‌توانند؛
  - حق مدیریت اموال: زنان متأهل تحت سرپرستی دائمی شوهران خود هستند و



حق مدیریت اموال را ندارند. در بوتسوانا<sup>۱</sup>، شیلی<sup>۲</sup>، لسوتو<sup>۳</sup>، نامیبیا<sup>۴</sup> و سوازیلند<sup>۵</sup> این گونه است؛

- حق فرصت کسب درآمد: شوهران می‌توانند زنان را به اشتغال در خانه محدود کنند. در بولیوی، گواتمالا و سوریه؛
- حق مسافرت: در برخی از کشورهای عربی، رضایت شوهر برای مسافرت زن لازم است (گرفتن گذرنامه)، اما نه بالعکس. زنان نمی‌توانند از کشور بدون اجازه شوهر خارج شوند؛ مثل ایران [۱۴].

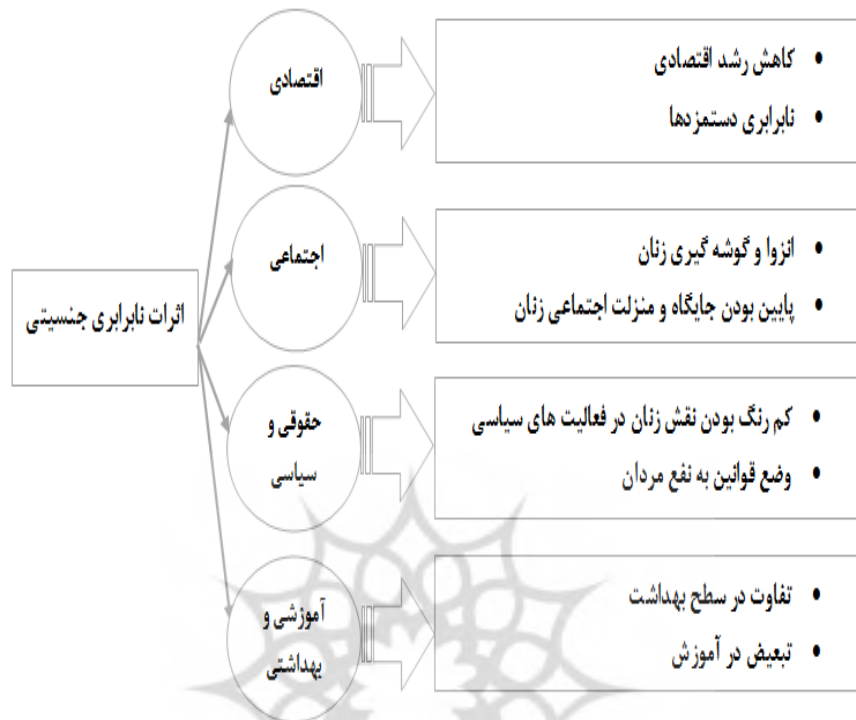
بر این اساس، نابرابری‌های جنسیتی علیه زنان را می‌توان در ابعاد مختلف زندگی مشاهده کرد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- نابرابری اجتماعی: یعنی زنان به اندازه مردان امکانات و فرصت‌های لازم در خانواده و جامعه ندارند؛
- نابرابری سیاسی: زنان به اندازه مردان امکان فعالیت و مشارکت سیاسی ندارند؛
- نابرابری اقتصادی: به این معنا که زنان درآمد هم‌سطح با مردان ندارند و شرایط برای کار بیرون از خانه برای آنان هموار نیست؛
- نابرابری فرهنگی: یعنی در تعالیم دینی و سنت‌ها برابری زنان و مردان در نظر گرفته نشده و زنان امکان فعالیت فرهنگی یکسان با مردان را ندارند؛
- نابرابری حقوقی: در قانون اساسی، بسیاری از حقوق زنان مطرح شده است، اما در قانون مدنی شاهد محدود کردن یا از بین بردن آن با تبعیض قائل شدن میان مرد و زن در این حقوق هستیم [۲].

در هر صورت، منبع بروز تبعیض جنسیتی هر عاملی که باشد، مجموعه‌ای از تأثیرات را می‌توان به تبع آن در جامعه مشاهده کرد (شکل ۳). با توجه به شکل ۳، تأثیرات نابرابری جنسیتی در چهار بعد نمایان است: ۱. اقتصادی شامل: کاهش رشد اقتصادی، نابرابری دستمزدها و... ۲. اجتماعی شامل: انزوا و گوشه‌گیری زنان، پایین بودن جایگاه و منزلت اجتماعی زنان و...، ۳. حقوقی و سیاسی شامل: کم‌رنگ بودن نقش زنان در فعالیت‌های سیاسی و وضع قوانین به نفع مردان و... و ۴. آموزشی و بهداشتی شامل تفاوت در سطح بهداشت (با توجه به نیاز بیشتر زنان به امکانات بهداشتی در زمینه باروری و زایمان به خصوص در مناطق روستایی)، تبعیض در آموزش که زنان بنا به دلایلی از سطح سواد پایین‌تری نسبت به مردان برخوردارند [۲۳؛ ۲۹].

---

1. Botswana  
2. Chihe  
3. Lesotho  
4. Namibia  
5. Swaziland



شکل ۳. تأثیرات نابرابری جنسیتی در ابعاد مختلف [۲۳: ۲۹]

در کنار همه تأثیرات و نتایج بازدارنده توسعه‌ای که به تبع تبعیض جنسیتی در یک اجتماع رخ می‌دهد، کاهش مشارکت زنان در هر یک از بخش‌های فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که به یکدیگر وابسته و مرتبط است، به‌عنوان بخش اعظمی از جمعیت یک جامعه جای تأمل دارد. مشارکت واژه‌ای است که در ادبیات نظری از دیدگاه‌های گوناگون درخور توجه بوده است. مشارکت به‌منزله یک کاتالیزور تغییر اجتماعی شناسایی شده و به‌عنوان یک فرایند برای گنجاندن گروه‌های تاریخی نادیده گرفته شده است؛ مانند زنان و اقلیت‌های قومی و... [۱۶]. مشارکت زنان روستایی در فرایند توسعه در سال‌های اخیر یکی از مباحثی است که به صورت مفرط به وسیله اکثر انجمن‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. حدود ۷۰ درصد جمعیت کشورهای کمتر توسعه‌یافته، که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، زنان هستند [۲۶]. با این حال، مشارکت نیروی کار زنان متأهل در چند دهه گذشته افزایش یافته است، اما این زنان هنوز هم بخش عمده کار خدمتکاری خانگی را برعهده دارند [۱۷]. افزایش مشارکت زنان می‌تواند تأثیرات مثبت و گاه منفی بی‌شماری در اجتماع به همراه داشته باشد که کاهش نرخ ازدواج (بر اثر افزایش آگاهی آنان از حقوق خود و فعالیت در فضای

خارج از خانه و...)، کاهش شکاف دستمزد جنسیتی، اولویت یا تغییر فرهنگی به سوی بازار کار (با افزایش آگاهی زنان و تغییر فرهنگ و هنجارهای جامعه زمینه ورود بیشتر زنان به بازار کار فراهم شده است) و تغییر در قدرت چانه‌زنی و صحبت کردن زنان یا به عبارت دیگر دفاع از حقوق خود و بهبود فن بیان آنان است [۲۰].

رویکرد نقش جنسیت معتقد است که نقش مردان و زنان اجتماعی مطابق با نقش‌های جنسیتی اجتماعی ساخته و کارهای خانه بر این اساس تقسیم شده است. همچنین، بین شوهر یا همسران با نگرش مساوات‌طلبانه از نقش‌های جنسیتی و تقسیم مساوی کارهای خانه رابطه‌ای مثبت وجود دارد [۱۷]. تقسیم جنسیتی کار به طور درخور توجهی در سراسر جوامع مختلف متفاوت است. در برخی از فرهنگ‌ها، زنان فعال در خارج از خانه شاغل‌اند، در حالی که در بعضی دیگر وظایف آن‌ها در امتداد خطوط جنسیتی مشخص تعریف شده است که در داخل خانه باقی بمانند و در فعالیتهای خارج از خانه شرکت نکنند [۱۱]. در طول قرن گذشته، نقش زنان روستایی در بازار کار تغییر کرده و در کشورهای در حال توسعه با تشکیل یک بخش بزرگی از کل نیروی کار، به‌ویژه در بخش کشاورزی، نقش دارند. از آنجا که در بازار کار زنان یک منبع اقتصادی درخور توجهی را تشکیل می‌دهند، واقعیت این است که وظایف داخلی زندگی با زنان در همه جوامع در ارتباط است. همچنین، آن‌ها به‌طور فزاینده دست به فعالیتهای درآمدی غیر داخلی می‌زنند. اگرچه تعداد درخور توجهی از زنان شوهران خود را به‌عنوان نان‌آور خانواده حمایت می‌کنند اما به نظر می‌رسد از پشتیبانی کمتر از جانب شوهران خود در کارهای داخلی خانه برخوردارند. در چنین شرایطی، زنان، به‌ویژه زنان روستایی، با ایفای دو نقش از جمله فعالیت در بازار کار و کار خانگی تحت فشار قرار می‌گیرند. با وجود اینکه زنان نقش مهمی در اقتصاد جهان امروز ایفا می‌کنند، مشارکت آن‌ها در فعالیتهای اقتصادی در هر موقعیت اجتماعی و فرهنگی متفاوت است. به‌ویژه، تحت یک برنامه‌ریزی غالب مردسالارانه، مدیریت و شرایط اجتماعی و اقتصادی، زنان به شهروندان دوم در برخی کشورها تبدیل شده‌اند. از لحاظ بافت جهان، این طبیعت عمدتاً در آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین قابل مشاهده است. با این حال، به‌عنوان یک کل در سراسر جهان هر ملتی تجربه انقیاد و فرمان‌برداری زنان را دارند، اگرچه زنان به‌طور فعال در فعالیتهای درآمدزا شرکت کنند [۱۹]. مردم در کامپونگ بارو<sup>۱</sup> معمولاً برای بهبود مشکلات خود با یکدیگر صحبت می‌کنند که این فعالیت به‌عنوان *musyawarah* شناخته شده است. با این حال، این نشست معمولاً شامل مردان است و به‌ندرت زنان در بخشی از آن حضور دارند، زیرا جامعه فکر می‌کند که زنان فقط مسئول مراقبت از کودکان و فعالیتهای خانگی مانند: پخت‌وپز، شست‌وشو، تمیز کردن خانه و گاهی

اوقات کمک به همسر خودند. علاوه بر این، این نشست معمولاً شب‌ها برگزار می‌شود و باعث می‌شود زنان تمایلی به شرکت در جلسه نداشته باشند [۳۳]. از این رو، با توجه به عدم مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های خارج از خانه و تبعیض‌هایی که علیه آنان در جنبه‌های مختلف انجام گرفته، در طول چند دهه گذشته، سیاست‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌هایی برای کمک به زنان کم‌درآمد در جهان سوم طراحی شده که بر اهمیت مشارکت زنان در روند توسعه متمرکز بوده‌اند. در این راستا، در زمینه کاهش تبعیض جنسیتی و بهبود سطح زندگی و افزایش مشارکت زنان رویکردهای دیگری از جمله تبعیض معکوس مطرح شده است. تبعیض معکوس در راستای ارائه یک برنامه اقدام مثبت برای اصلاح رفتار ناعادلانه از اعضای گروه اکثریت (یا مردان) علیه گروه اقلیت (یا زنان) تعریف شده است. در این میان، برنامه‌های تبعیض مثبت با هدف افزایش حضور زنان در زمینه‌های مختلف از قبیل شرکت‌ها، سیاست و آموزش شناخته شده‌اند [۱۳]. همچنین، بودجه‌بندی جنسیتی در این زمینه یک رویکرد است که در آن تجزیه و تحلیل بودجه مبتنی بر جنسیت می‌تواند بهره‌وری از سیاست بودجه از نظر تأثیر آن بر زندگی زنان و مردان را نشان دهد. زمانی که زنان در فرایند تصمیم‌گیری درگیر باشند، آن‌ها به شناسایی مشکلات، پیدا کردن راه حل مقرون به صرفه و دستیابی به عدالت اجتماعی کمک می‌کنند. هم‌اکنون، بیش از هفتاد کشور در سراسر جهان، از جمله برخی از کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS)، در طرح‌های بودجه‌بندی جنسیتی درگیرند یا از این طرح‌ها حمایت می‌کنند. در کنار تأمین اعتبارات بودجه به‌طور خاص نابرابری جنسیتی را هدف قرار داده‌اند. این طرح نخستین‌بار در کشور استرالیا انجام گرفت [۳۲]. همچنین اینکه ارتباط مستقیمی بین تقسیم جنسیتی کار و فرایند تصمیم‌گیری جنسیتی وجود دارد. زمانی که شوهران اجازه می‌دهند همسران خود در کار تولیدی برای خانواده وارد شوند، همسران به تدریج کنترل تصمیم‌گیری در مورد مسائل امرار معاش را به دست می‌گیرند. اگرچه این مسئولیت بار سنگین‌تری روی شانه‌های زنان در طول زمان گذاشته، آن‌ها نیز آزادی بیشتری در تصمیم‌گیری شخصی مانند شرکت در فعالیت‌های عمومی و حضور در جلسات جامعه یا آموزش‌های فنی به دست آورده‌اند (چیزهایی را که اجازه نداشتند در گذشته انجام دهند) [۲۸]. بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد که زنان به دلیل زن‌بودن بیشتر در معرض فقر و نابرابری‌های جنسیتی و در نتیجه انواع آسیب‌ها قرار دارند. جنسیت اغلب در همه عرصه‌های برنامه‌ریزی‌های کشوری از جمله بهداشت، سلامت، آموزش، اقتصاد، سیاست و مانند آن نادیده گرفته می‌شود. از این رو، برای رسیدن به توسعه پایدار روستایی باسد تبعیض‌ها و نابرابری‌های نژادی، فرهنگی، جنسیتی، قومی، دینی و نظایر آن ریشه‌کن شود [۹].

## روش‌شناسی و منطقه مطالعه شده

مطالعه حاضر به لحاظ روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف یک پژوهش کاربردی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و پیمایش میدانی برای گردآوری اطلاعات و تدوین پرسش‌نامه براساس شاخص‌های استخراج‌شده از چارچوب نظری انجام شده است. در این مطالعه، تبعیض جنسیتی به‌منزله متغیر مستقل و میزان مشارکت‌پذیری زنان روستایی به‌عنوان متغیر وابسته تعریف شد. براساس آنچه درباره عوامل مؤثر بر تبعیض جنسیتی، تأثیرات و انواع آن بیان شد، مهم‌ترین شاخص‌ها و ابعاد نمایانگر نابرابری جنسیتی (متغیر مستقل) در نواحی روستایی را می‌توان به شرح ذیل دسته‌بندی کرد که در این تحقیق مبنای تدوین پرسش‌نامه و سنجش در منطقه نیز قرار گرفته است (جدول ۱).

جدول ۱. ابعاد و شاخص‌های نابرابری جنسیتی در نواحی روستایی

ابعاد	شاخص‌ها
نابرابری حقوقی	وجود قوانین به نفع مردان در جامعه بی‌توجهی به زنان به گونه‌ای که اصلاً حقی ندارند. فضاوت و داوری به نفع مردان وجود دستورات دینی به نفع مردان (سهم‌الارث، دیه و...) وجود مردان به‌عنوان آقابالاسر برای زنان
نابرابری سیاسی	اشتغال‌نداشتن زنان در منصب‌های مهم (ریاست‌جمهوری و...) وجود محدودیت برای زنان در زمینه شرکت در محافل سیاسی عدم قبول عضویت زنان در شوراهای روستایی از طرف مردم وجود امکانات بیشتر برای مردان در زمینه عضویت در شوراهای شهر و روستا در صورتی که مردان به زنان اجازه ندهند، زنان حق رأی ندارند.
نابرابری اقتصادی	سطح پایین درآمد زنان نسبت به مردان در کارهای مشابه وجود شغل بیشتر برای پسران نسبت به دختران با تحصیلات یکسان نداشتن حق مالکیت زمین برای زنان
نابرابری اجتماعی	قرار دادن امکانات رفاهی بیشتر در اختیار پسران در روستاها حس تعلق بیشتر نسبت به فرزند پسر وجود آزادی بیشتر برای پسران وجود دیدگاه بهتر و مفیدتر بودن پسرها در روستاها پایین بودن سطح امکانات و فرصت‌ها برای زنان نسبت به مردان در خانواده و جامعه روستایی
نابرابری فرهنگی	فشارهای ناشی از بالارفتن سن ازدواج بر دختران آزادی محدود زنان برای انتخاب همسر سلب آزادی دختران در ازدواج جهت‌گیری سنت‌ها و آداب و رسوم روستاها به نفع مردان

منبع: [۲؛ ۶؛ ۸]

همچنین می‌توان ابعاد مشارکت زنان را در اجتماع به‌عنوان متغیر وابسته در قالب شاخص‌های ذیل عنوان کرد که این شاخص‌ها می‌تواند براساس میزان اعمال تبعیض جنسیتی در یک اجتماع دستخوش تغییر قرار گیرد (جدول ۲).

جدول ۲. ابعاد و شاخص‌های مشارکت زنان در اجتماعات روستایی

ابعاد	شاخص
مشارکت رفتاری- اجتماعی	مشارکت در زراعت و باغداری
	مشارکت در دامداری
	مشارکت در امور طیور
	مشارکت در صنایع دستی
	مشارکت در انجمن‌ها
	مشارکت در شوراها
	مشارکت در تعاونی‌ها
مشارکت فرهنگی	مشارکت در بسیج و...
	مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانوار (هزینه‌ها، تربیت)
	مشورت کردن با زنان
	کار گروهی و شراکتی
مشارکت اقتصادی	شرکت در انجمن‌ها و...
	تفکیک وظایف زن و مرد
	افزایش تولید محصول
مشارکت اقتصادی	افزایش درآمد خانواده
	تنظیم دخل و خرج زندگی
	بازاریابی محصولات کشاورزی و محصولات خانگی

منبع: [۱؛ ۷]

جامعه آماری تحقیق شامل ۵۶ روستای دهستان‌های رادکان و گلمکان در شهرستان چناران است که از میان آن‌ها ۱۰ روستا به صورت تصادفی به‌عنوان نمونه تحقیق بررسی شده‌اند. دهستان رادکان با توجه به مختصات جغرافیایی در شرق کشور و در شمال استان خراسان و تقریباً در شمال غرب مشهد واقع است و در ۵۹ درجه طول شرقی جغرافیایی و ۳۶ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی جغرافیایی قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۲۱۰ متر و مساحت تقریبی آن ۱۶۸۹ کیلومتر مربع است که در ۸۰ کیلومتری مشهد و ۲۴ کیلومتری شهرستان چناران در دامنه کوه‌های هزارمسجد واقع شده است. دهستان گلمکان نیز در مختصات ۵۹ درجه و ۱ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۲۸ دقیقه عرض شمالی قرار دارد. دهستان رادکان شامل ۲۷ روستا و دهستان گلمکان شامل ۲۹ روستا هستند که از بین آن‌ها در مجموع ۱۰ روستا با مجموع ۲ هزار و ۳۳۸ خانوار به صورت

تصادفی به‌عنوان روستای نمونه انتخاب شده‌اند. جهت تعیین حجم نمونه در سطح خانوار از فرمول کوکران با خطای ۰/۱ استفاده شده است که ۱۱۶ نمونه تعیین و براساس قاعده تقسیم به نسبت، در هر روستا مبنای تکمیل پرسش‌نامه قرار گرفت. جدول ۳ روستاهای مورد مطالعه و تعداد نمونه بررسی شده در هر یک را نشان می‌دهد.

جدول ۳. معرفی روستاهای مطالعه‌شده و حجم خانوارهای بررسی شده در آنها

آبادی	اسفیل	چلار	هویت‌آباد	موشکان	احمدآباد	زینگر	جالیس‌آباد	رادکان	مغان	خنج	تجمع
تعداد خانوار ۹۰	۲۵۷	۷۰	۲۰۶	۲۸	۱۶۱	۳۸	۳۶۷	۱۰۰۴	۱۰۴	۱۰۳	۲۳۳۸
تعداد نمونه	۱۰	۷	۱۰	۷	۷	۷	۱۴	۴۰	۷	۷	۱۱۶

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

## یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد که همه پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه‌ها (۱۱۶ نفر) را، با توجه به موضوع تحقیق، زنان تشکیل داده‌اند. بیشترین درصد افراد پاسخگو مدرک تحصیلی سیکل و دیپلم دارند. همچنین، ۸۱ درصد پاسخ‌دهندگان خانه‌دار، ۱۲/۱ درصد دانشجو و محصل و مابقی خیاط یا کارمندند (جدول ۴).

جدول ۴. یافته‌های توصیفی تحقیق

مؤلفه	درصد	فراوانی	زیرمعیارها
شرایط سنی	۲۷،۶	۳۲	۲۵-۱۵
	۳۱،۹	۳۷	۳۵-۲۵
	۲۲،۴	۲۶	۴۵-۳۵
	۱۴،۷	۱۷	۵۵-۴۵
	۳،۴	۴	۶۵-۵۵
وضعیت تأهل	۸۰،۲	۹۳	متأهل
	۱۹،۸	۲۳	مجرد
سطح تحصیلات	۱۵،۵	۱۸	بی‌سواد
	۳۷،۱	۴۳	سیکل و زیر سیکل
	۳۷،۱	۴۳	دیپلم
	۱	۱	فوق دیپلم
	۹،۴	۱۱	کارشناسی و بالاتر

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

## بررسی وضعیت متغیر مشارکت و ابعاد آن در روستاهای نمونه (آزمون t تک‌نمونه‌ای)

برای بررسی وضعیت شاخص‌های متغیر مشارکت با توجه به نرمال بودن متغیرهای تحقیق (جدول ۵) از آزمون T تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. در این آزمون، چنانچه سطح معناداری کمتر از مقدار خطا باشد، چنین استنباط می‌شود که میانگین جامعه مورد نظر مقدار آزمون شده نیست. حال برای دریافتن این موضوع که میانگین جامعه بالاتر از مقدار آزمون شده یا پایین‌تر از آن است، باید به حد بالا و حد پایین موجود در خروجی مراجعه کرد. در آزمون t تک‌نمونه‌ای چنانچه حد بالا و حد پایین هر دو مثبت باشند، بدین معناست که میانگین جامعه در مورد آن متغیر بیشتر از مقدار مورد آزمون است. همچنین، چنانچه اولی مثبت و دومی منفی باشد، میانگین جامعه تقریباً مقدار آزمون است. همچنین منفی بودن این دو مقدار بدین معناست که میانگین متغیر مورد نظر در جامعه کمتر از مقدار آزمون است و این متغیرها در جامعه بررسی شده در سطح پایینی قرار دارند. بنابر میانگین محاسبه شده شاخص‌های مشارکت با میانگین فرضی ۳ سنجش شده و ثابت می‌شود که میانگین واقعی نظر کل پاسخگویان تنها در بعد مشارکت اقتصادی از ۳ بزرگ‌تر بوده و در حد متوسط به بالاست و معنادار است. با توجه به میزان معناداری به دست آمده شاخص‌های مشارکت معنادار بوده و قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارد؛ با وجود این، میانگین مشارکت رفتاری و فرهنگی از حد متوسط ۳ کوچک‌تر است و در سطح پایینی قرار دارند. همچنین به‌طور کلی حد بالا و پایین شاخص‌های مشارکت منفی بوده است. بدین معنا که میانگین جامعه در این ابعاد مشارکت به جز بعد اقتصادی و در مجموع متغیر مشارکت کمتر از مقدار متوسط است. این نتیجه گویای این است که در روستاهای بررسی شده شاخص‌های مشارکت در وضعیت نامناسبی قرار گرفته‌اند و زنان فقط در بخش اقتصادی میزان مشارکت بالایی دارند و در بعد رفتاری و فرهنگی میزان مشارکت آنان کم ارزیابی شده است (جدول ۶).



**جدول ۵. نتایج آزمون نرمال بودن**

نتیجه آزمون	کشیدگی		چولگی		تعداد	متغیر
	خطا	ضریب	خطا	ضریب		
تأیید نرمال بودن	۰,۴۴۶	۰,۳۷۱	۰,۲۲۵	-۰,۸۰۸	۱۱۶	متغیر مشارکت
تأیید نرمال بودن	۰,۴۴۶	۰,۶۰۲	۰,۲۲۵	-۰,۳۱۶	۱۱۶	مشارکت رفتاری
تأیید نرمال بودن	۰,۴۴۶	-۰,۸۲۵	۰,۲۲۵	-۰,۱۰۰	۱۱۶	مشارکت فرهنگی
تأیید نرمال بودن	۰,۴۴۶	-۰,۰۲۹	۰,۲۲۵	-۰,۵۶۵	۱۱۶	مشارکت اقتصادی
تأیید نرمال بودن	۰,۴۴۶	۱,۲۳۴	۰,۲۲۵	۱,۱۴۸	۱۱۶	متغیر تبعیض جنسیتی
تأیید نرمال بودن	۰,۴۴۶	-۰,۱۸۰	۰,۲۲۵	۰,۶۵۱	۱۱۶	تبعیض حقوقی
تأیید نرمال بودن	۰,۴۴۶	۰,۶۳۰	۰,۲۲۵	۰,۸۹۶	۱۱۶	تبعیض سیاسی
تأیید نرمال بودن	۰,۴۴۷	۰,۲۳۵	۰,۲۲۶	۰,۲۵۲	۱۱۵	تبعیض اقتصادی
تأیید نرمال بودن	۰,۴۴۶	۰,۲۹۹	۰,۲۲۵	۰,۶۸۳	۱۱۶	تبعیض اجتماعی
تأیید نرمال بودن	۰,۴۴۶	-۰,۲۶۶	۰,۲۲۵	۰,۸۰۲	۱۱۶	تبعیض فرهنگی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

جدول ۶. بررسی وضعیت متغیر مشارکت و ابعاد آن در روستاهای نمونه (آزمون t تک نمونه‌ای)

متغیرها	آماره تی	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	میزان معناداری	Interval Confidence 95% Difference the of	
						پایین ترین	بالاترین
مشارکت رفتاری	-۵۵۸۸	۲,۸۱	۰,۳۴۳	۱۰۵	۰,۰۰۰	-۰,۱۸۶	-۰,۲۵۹
مشارکت فرهنگی	۲۴,۰۹۱	۱,۹۴	۰,۴۵۱	۱۰۵	۰,۰۰۰	-۱,۱۴۳	-۰,۶۹۶
مشارکت اقتصادی	۸,۱۵۹	۳,۵۳	۰,۶۷۸	۱۰۵	۰,۰۰۰	۰,۵۳۷	۰,۴۰۷
مشارکت	۱۱,۰۷۶	۲,۴۹	۰,۴۷۳	۱۰۵	۰,۰۰۰	-۰,۵۰۹	-۰,۶۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

بنابر جدول ۷، همه گویه‌ها به جز گویۀ «مشارکت در امور صنایع دستی» و «نقش زنان در بازاریابی محصولات کشاورزی و خانگی» معنادارند و قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارند. از بین گویه‌های بعد مشارکت رفتاری-اجتماعی، گویۀ مشارکت در امور زراعت و باغداری با میانگین ۴,۲۵ و مشارکت در امور دامداری با میانگین ۴,۲۲ بالاترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند؛ به این معنا که زنان روستایی در این زمینه‌ها مشارکت و فعالیت بیشتری دارند. همچنین، از بین گویه‌های بعد مشارکت اقتصادی، گویه مؤثر بودن زنان در افزایش میزان تولید محصولات روستایی با میانگین ۴,۰۵ بالاترین میانگین را نسبت به گویه‌های این بعد دارد. اما گویه‌های بعد مشارکت فرهنگی کمترین میزان میانگین را دارند و از میانگین فرضی ۳ پایین‌ترند.

جدول ۷. بررسی وضعیت گویه‌های متغیر مشارکت‌پذیری در روستاهای نمونه (آزمون t تک‌نمونه‌ای)

ابعاد	مشارکت‌پذیری زنان (گویه)	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره‌تی	درجه آزادی	میزان معناداری	اختلاف از میانگین	Confidence 95% the of Interval Difference	
									پایین‌ترین	بالا‌ترین
مشارکت رفتاری - اجتماعی	مشارکت در امور زراعت و باغداری	۱۱۶	۴,۲۵	۰,۶۱۴	۲۰,۸۷۱	۱۱۵	۰,۰۰۰	۱,۲۴۵	۱,۱۳	۱,۳۶
	مشارکت در امور دامداری	۱۱۶	۴,۳۲	۰,۷۴۳	۱۶,۸۵۷	۱۱۵	۰,۰۰۰	۱,۲۱۷	۱,۰۷	۱,۳۶
	مشارکت در امور طیور و زنبورداری	۱۱۶	۳,۶۴	۰,۸۱۹	۸,۰۶۷	۱۱۵	۰,۰۰۰	۰,۶۴۲	۰,۴۸	۰,۸۰
	مشارکت در امور صنایع دستی	۱۱۶	۲,۹۹	۱,۰۵۶	-۰,۰۹۲	۱۱۵	۰,۹۲۷	-۰,۰۰۹	-۰,۲۱	۰,۱۹
	مشارکت در انجمن‌ها	۱۱۶	۱,۸۷	۰,۸۴۰	-۱۳,۸۷	۱۱۵	۰,۰۰۰	-۱,۱۳۲	-۱,۲۹	-۰,۹۷
	مشارکت در شوراهای روستایی	۱۱۶	۱,۶۷	۰,۸۴۸	-۱۶,۱۵	۱۱۵	۰,۰۰۰	-۱,۳۳	-۱,۴۹	-۱,۱۷
	مشارکت در امور تعاونی‌ها	۱۱۶	۱,۸۰	۰,۸۳۳	-۱۴,۸۱	۱۱۵	۰,۰۰۰	-۱,۱۹۸	-۱,۳۶	-۱,۰۴
	مشارکت بین زنان و مردان روستایی در امور بسیج	۱۱۶	۲,۰۹	۰,۸۷۹	-۱۰,۶۱	۱۱۵	۰,۰۰۰	-۰,۹۰۶	-۱,۰۷	-۰,۷۴
	مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی	۱۱۶	۲,۷۹	۰,۷۶۵	-۲,۷۹	۱۱۵	۰,۰۰۰	-۰,۲۰۸	-۰,۳۵	-۰,۰۶
	مشارکت فرهنگی	مشارکت زنان در امور روستایی	۱۱۶	۲,۶۹	۰,۶۰۹	-۲۳,۲۹	۱۱۵	۰,۰۰۰	-۱,۳۷۷	-۱,۴۹
مشارکت زنان در کارهای گروهی		۱۱۶	۲,۰۶	۰,۸۲۶	-۱۱,۷۵	۱۱۵	۰,۰۰۰	-۰,۹۴۳	-۱,۱	-۰,۷
مشارکت زنان در انجمن‌ها		۱۱۶	۱,۹۶	۰,۷۸۰	-۱۳,۷۰	۱۱۵	۰,۰۰۰	-۱,۰۳۸	-۱,۱۹	-۰,۸۹
تفکیک وظایف زن و مرد در روستا		۱۱۶	۲,۱۳	۰,۹۳۷	-۹,۵۳	۱۱۵	۰,۰۰۰	-۰,۸۶۸	-۱,۰۵	-۰,۶۹

ابعاد	مشارکت پذیر ی زنان (گویه)	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره تی	درجه آزادی	میزان معناداری	اختلاف از میانگین	Confidence 95% the of Interval Difference	
									پایین ترین	بالاترین
مشارکت اقتصادی	مؤثر بودن زنان در افزایش تولید محصولات روستایی	۱۱۶	۴,۰۵	۰,۹۱۹	۱۱,۷۲	۱۱۵	۰,۰۰۰	۱,۰۴۸	۰,۸۷	۱,۲۲
	نقش زنان در افزایش درآمد خانواده	۱۱۶	۳,۸۶	۰,۷۶۱	۱۱,۶۰	۱۱۵	۰,۰۰۰	۰,۸۵۸	۰,۷۱	۱,۰۱
	نقش زنان در تنظیم دخل و خرج زندگی	۱۱۶	۳,۲۴	۱	۲,۴۲	۱۱۵	۰,۰۱۷	۰,۲۳۶	۰,۰۴	۰,۴۳
	نقش زنان در بازاریابی محصولات کشاورزی و خانگی	۱۱۶	۳,۰۱	۱,۰۲۸	۰,۰۹۴	۱۱۵	۰,۰۲۵	۰,۰۰۹	-۰,۱۹	۰,۲۱

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

## بررسی وضعیت متغیر تبعیض جنسیتی و ابعاد آن در روستاهای نمونه (آزمون t تک نمونه‌ای)

با توجه به میزان معناداری به دست آمده، شاخص‌های مشارکت معنادار بوده و قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارد. با وجود این، میانگین مشارکت رفتاری و فرهنگی از حد متوسط ۳ کوچک‌تر است و در سطح پایینی قرار دارند. همچنین حد بالا و پایین شاخص‌های مشارکت منفی بوده است. بدین معنا که میانگین جامعه در این شاخص‌ها کمتر از مقدار مورد آزمون است. با توجه به میزان معناداری به دست آمده، شاخص‌های تبعیض جنسیتی معنادار بوده و قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارد. همچنین، حد بالا و پایین شاخص‌های تبعیض جنسیتی منفی بوده است. بدین معنا که میانگین جامعه در این شاخص‌ها کمتر از مقدار مورد آزمون است. این نتیجه گویای این است که با اطمینان بیش از ۹۹ درصد در روستاهای مورد مطالعه تبعیض جنسیتی وجود دارد.

جدول ۸. بررسی وضعیت متغیر تبعیض جنسیتی و ابعاد آن در روستاهای نمونه (آزمون تک نمونه‌ای)

متغیرها	آماره تی	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	میزان معناداری	اختلاف از میانگین	Confidence 95% the of Interval Difference	
							پایین ترین	بالا ترین
تبعیض حقوقی	-۱۶٫۷۶	۲٫۱۱۸	۰٫۵۴۱	۱۱۵	۰٫۰۰۰	-۰٫۸۸۱	-۰٫۹۸۵	-۰٫۷۷۷
تبعیض سیاسی	-۱۶٫۲	۲٫۱۱۱	۰٫۵۶۴	۱۱۵	۰٫۰۰۰	-۰٫۸۸۸	-۰٫۹۹۷	-۰٫۷۸
تبعیض اقتصادی	-۱۷٫۵۲	۲٫۱۶۷	۰٫۴۸۷	۱۱۵	۰٫۰۰۰	-۰٫۸۳۲	-۰٫۹۲۷	-۰٫۷۳۸
تبعیض اجتماعی	-۱۸٫۲۱	۲٫۰۸۳	۰٫۵۲	۱۱۵	۰٫۰۰۰	-۰٫۹۱۶	-۱٫۰۱۶	-۰٫۸۱۶
تبعیض فرهنگی	-۱۶٫۸۳	۲٫۰۷۴	۰٫۵۶۵	۱۱۵	۰٫۰۰۰	-۰٫۹۲۵	-۱٫۰۳۴	-۰٫۸۱۵
تبعیض	-۳۵٫۸۱	۱٫۹۷۶	۰٫۲۹۲	۱۱۵	۰٫۰۰۰	-۱٫۰۲۳	-۱٫۰۸	-۰٫۹۶۶

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

بنابر جدول ۹، تنها گویۀ محروم بودن از حق مالکیت زمین برای زنان در بعد نابرابری اقتصادی با میانگین ۳/۳۸ از میانگین فرضی ۳ بیشتر است و بیشترین میزان نابرابری را به خود اختصاص داده است و گویۀ بی توجهی به حقوق زنان در بعد حقوقی با میانگین ۱/۵۹ کمترین میزان را به خود اختصاص داده است. در واقع، به طور کلی، می توان گفت که در روستاهای مورد مطالعه تبعیض جنسیتی بیشتر در بعد اقتصادی نمایان است.

جدول ۹. بررسی وضعیت گویه های متغیر تبعیض جنسیتی در روستاهای نمونه (آزمون t تک نمونه ای)

ابعاد	تبعیض جنسیتی (گویه)	میانگین	انحراف معیار	آماره تی	درجه آزادی	میزان معناداری	اختلاف از میانگین	
							پایین ترین	بالا ترین
نابرابری حقوقی	وجود قوانین جامعه به نفع مردان	۲	۰/۵۳۵	-۱۹/۲۶۱	۱۱۵	۰/۰۰	-۱	-۰/۹۰
	بی توجهی به حقوق زنان روستایی	۱/۵۹	۰/۶۵۹	-۲۱/۹۷۱	۱۱۵	۰/۰۰	-۱/۴۰۶	-۱/۲۸
	قضاوت به نفع مردان	۲/۰۴	۰/۸۱۶	-۱۲/۱۴۷	۱۱۵	۰/۰۰	-۰/۹۶۲	-۰/۸۱
	وجود دستورات دینی به نفع مردان	۱/۹۹	۰/۸۵۷	-۱۱/۹۸۲	۱۱۵	۰/۰۰	-۱/۰۰۹	-۰/۸۴
	وجود مردان برای زنان روستایی به عنوان آقا یا لاسر	۲/۲۶	۰/۹۳۹	-۸/۰۶۷	۱۱۵	۰/۰۰	-۰/۷۳۶	-۰/۵۵

ابعاد	تبعیض جنسیتی (گویه)	میانگین	انحراف معیار	آماره تی	درجه آزادی	میزان معناداری	Confidence 95% the of Interval Difference	
							پایین ترین	بالا ترین
ناوبری سیاسی	ناعادلانه بودن اشتغال دانشمندان زن در منصب‌های مهم	۱۷۱	۰/۷۸۰	-۱۷/۰۵۳	۱۱۵	۰/۰۰	-۱/۲۹۲	-۱/۱۴
	محدودیت زنان در زمینه شرکت در محافل سیاسی	۱۶۹	۰/۷۴۰	-۱۶/۸۱۰	۱۱۵	۰/۰۰	-۱/۲۰۸	-۱/۳۵
	کمتر زنان نسبت به مردان در عضویت در شورای	۱۶۱	۰/۶۳۸	-۱۹/۲۶۳	۱۱۵	۰/۰۰	-۱/۳۷۷	-۱/۵۲
	امکانات بیشتر مردان در زمینه عضویت در شورای روستا	۱۶۱	۰/۶۶۸	-۱۵/۶۵۱	۱۱۵	۰/۰۰	-۱/۳۳۶	-۱/۳۹
	احتیاج زنان برای دادن رأی به اجاره مردان	۱۶۰	۰/۶۵۸	-۱۳/۲۶۵	۱۱۵	۰/۰۰	-۱/۳۰۲	-۰/۴۹
ناوبری اقتصادی	سطح درآمد زنان نسبت به مردان در کارهای	۱۶۱	۰/۷۳۸	-۱۹/۳۵۵	۱۱۵	۰/۰۰	-۱/۳۷۷	-۱/۲۴
	تسهیل بیشتر برای پسران نسبت به دختران	۱۷۱	۰/۶۴۰	-۱۳/۷۰۸	۱۱۵	۰/۰۰	-۱/۱۲۴	-۰/۹۶
	محروم بودن از حق مالکیت زمین برای زنان	۱۶۱	۰/۷۷۰	-۱۴/۳۷۲	۱۱۵	۰/۰۰	-۱/۳۷۷	-۰/۵۵

ابعاد	تبعیض جنسیتی (گونه)	میانگین	انحراف معیار	آماره تی	درجه آزادی	میزان معناداری	اختلاف از میانگین	Confidence 95% the of Interval Difference	
								پایین ترین	بالا ترین
تابداری اجتماعی	برابری فرصت‌های سرمایه‌گذاری اقتصادی برای خان با مردان	۲/۲۰	۰/۸۵۳	-۸/۴۶۹	۱۱۵	۰/۰۰۰	-۰/۶۹۸	-۰/۸۶	-۰/۵۳
	امکانات رفاهی بیشتر در اختیار پسران	۲/۱۴	۰/۶۸۲	-۱۲/۹۵۵	۱۱۵	۰/۰۰۰	-۰/۸۵۸	-۰/۹۹	-۰/۷۳
	حس تعلق بیشتر به فرزند پسر	۱/۷۷	۰/۶۶۴	-۱۸/۱۹۵	۱۱۵	۰/۰۰۰	-۱/۲۲۶	-۱/۳۶	-۱/۰۹
	برخوردهای پسران از آزادی بیشتر	۱/۶۸	۰/۶۶۴	-۲۱/۲۳۶	۱۱۵	۰/۰۰۰	-۱/۳۲۱	-۱/۴۴	-۱/۲۰
	دیدگاه منفی‌تر بودن پسران در روستا	۱/۷۹	۰/۶۵۸	-۱۸/۹۰۰	۱۱۵	۰/۰۰۰	-۱/۲۰۸	-۱/۳۳	-۱/۰۸
	پایین‌تر بودن سطح امکانات و فرصت‌ها برای زنان	۲	۰/۴۴۷	-۱۵/۹۰۵	۱۱۵	۰/۰۰۰	-	-۱/۱۲	-۰/۸۸



ابعاد	تبعیض جنسیتی (گویه)	میانگین	انحراف معیار	آماره تی	درجه آزادی	میزان معناداری	Confidence 95% the of Interval Difference	
							پایین ترین	بالا ترین
نابرابری فرهنگی	فشار بیشتر بر دختران با بالا رفتن سن ازدواج	۱٫۷۴	۰٫۶۸۰	-۱۹٫۱۳۰	۱۱۵	۰٫۰۰	-۱٫۲۶۴	-۱٫۴۰
	محدودیت دختران در انتخاب همسر	۱٫۸۱	۰٫۸۰۶	-۱۵٫۱۸۲	۱۱۵	۰٫۰۰	-۱٫۱۸۹	-۱٫۳۴
	سلب آزادی دختران در ازدواج	۲٫۰۷	۰٫۷۲۱	-۱۳٫۳۴۲	۱۱۵	۰٫۰۰	-۰٫۹۳۴	-۱٫۰۷
	جهت گیری سنت ها و آداب رسوم و روستا به نفع مردان	۱٫۸۵	۰٫۷۵۳	-۱۵٫۷۳۰	۱۰۵	۰٫۰۰	-۱٫۱۵۱	-۱٫۳۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

### رابطه بین متغیر تبعیض جنسیتی با متغیر مشارکت

به منظور بررسی وجود رابطه بین متغیر وابسته (مشارکت) و متغیر مستقل (تبعیض جنسیتی) و شاخص‌های آن متناسب با نوع داده‌ها و نرمالیتی آن‌ها از آزمون پیرسون استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود، همه شاخص‌های تبعیض جنسیتی (به غیر از تبعیض حقوقی) با آماره‌های پیرسون حاصل شده است. همان‌طور که در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود، متغیر مشارکت رابطه‌ای مستقیم با شدت همبستگی متوسط دارد و همچنین با توجه به میزان معناداری به دست آمده، بین شاخص‌های تبعیض جنسیتی با متغیر مشارکت رابطه معناداری وجود دارد. به جز شاخص (تبعیض حقوقی) که با مقدار آماره پیرسون به دست آمده رابطه معکوس دارد و همچنین با توجه به میزان معناداری به دست آمده بین شاخص تبعیض حقوقی با متغیر مشارکت رابطه معناداری وجود ندارد. با توجه به شاخص‌های بعد تبعیض حقوقی، که شامل وجود قوانین، قضاوت و داوری، وجود دستورات دینی و... است، می‌توان چنین اظهار کرد که امروزه موارد

یادشده به دلیل اعتقاد زنان به مردمحوری این ابعاد چندان مورد پذیرش زنان نبوده است. بنابراین، چندان تأثیری بر میزان مشارکت‌پذیری زنان روستایی ندارد.

جدول ۱۰. بررسی رابطه بین مؤلفه‌های تبعیض جنسیتی با متغیر مشارکت

متغیر مستقل تبعیض	تبعیض فرهنگی	تبعیض اجتماعی	تبعیض اقتصادی	تبعیض سیاسی	تبعیض حقوقی	پیرسون	مشارکت
۰/۵۶۳	۰/۵۵۳	۰/۴۸۹	۰/۵۸۵	۰/۴۵۱	-۰/۰۶۷	۰/۴۹۸	معناداری
۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰			

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

### بررسی اثر تبعیض جنسیتی بر مشارکت‌پذیری

به منظور بررسی «اثر تبعیض جنسیتی بر مشارکت‌پذیری» از رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شده است. در رگرسیون، متغیر مستقل تبعیض جنسیتی و متغیر وابسته مشارکت‌پذیری است. همان‌گونه که در جدول ۱۱ مشخص شده است، مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۰/۵۶ است که حاکی از توانایی بالای ابعاد متغیر مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته است. یعنی متغیر مستقل ۵۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند و مابقی این تغییرات (۴۴ درصد)، که به مجذور کمیت خطا معروف است، تحت تأثیر متغیرهای خارج از مدل‌اند. همچنین، مقدار دوربین واتسون برابر با ۰/۹۸۵ است که حاکی از مثبت‌بودن باقی‌مانده‌ها از هم است.

جدول ۱۱. مقدار همبستگی، ضریب تعیین تعدیل‌شده و خطای استاندارد برآورد

خطای استاندارد برآورد	ضریب تعیین تعدیل‌شده (R Ad)	مجذور ضریب همبستگی (R <sup>2</sup> )	مقدار همبستگی (R)	مدل
۰/۷۵۱	۰/۲۹۳	۰/۲۹۳	۰/۵۴۲	۱

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

همان‌گونه که در جدول ۱۲ مشخص است، مقدار رگرسیون برای این مدل برابر است با ۱۳/۲۲۱ و مقدار باقی‌مانده برابر است با ۱۰/۲۳۴ و چون مقدار مجذورات باقی‌مانده کوچک‌تر از مجموع مجذورات رگرسیون است، نشان‌دهنده قدرت تبیین بالای مدل در توضیح تغییرات متغیر وابسته است. در این مدل، مقدار F برابر است با ۲۵/۵۷۸ و میزان معناداری آن هم برابر با ۰/۰۰۰ است که کوچک‌تر از ۰/۰۵ و معنادار است؛ به این معنا که ابعاد متغیر مستقل قادر است به‌خوبی تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهد. بنابراین، فرضیه صفر آزمون مبنی بر عدم معناداری مدل رگرسیون با اطمینان ۹۹ درصد رد می‌شود.

سطح معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	رگرسیون
		۲,۶۴۴	۵	۱۳,۲۲۱	رگرسیون
۰,۰۰۰	۲۵,۵۷۸	۰,۱۰۳	۹۹	۱۰,۲۳۴	باقی مانده
			۱۰۴	۲۳,۴۵۵	مجموع

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

با توجه به آنچه در جدول ۱۳ نشان داده شده است، مقدار بتا در این مدل با توجه به متغیرهای تبعیض حقوقی ۰,۱۷۷، تبعیض سیاسی ۰,۱۶۱، تبعیض اقتصادی ۰,۴۴۷، تبعیض اجتماعی ۰,۱۳۰ و تبعیض فرهنگی ۰,۲۷۳ است. بزرگ بودن مقدار بتا (به غیر از مقدار بتا تبعیض اجتماعی) نشان دهنده اهمیت نسبی و نقش آن در پیشگویی متغیر وابسته است. مقدار بتا نشان دهنده اهمیت نسبی تبعیض جنسیتی بر مشارکت پذیری زنان است. بنابراین، بین این مؤلفه‌ها تبعیض اقتصادی و تبعیض فرهنگی بیشترین میزان تأثیر را بر مشارکت زنان داشته است.

جدول ۱۳. ضریب رگرسیون استاندارد نشده و شده، آماره تی و سطح معناداری رگرسیون

میزان معناداری	آماره تی	ضریب رگرسیون استاندارد شده (بتا)	ضریب رگرسیون استاندارد نشده	ضریب ثابت
۰,۰۰	۴,۲۱	-	۰,۲۰۵	ضریب ثابت
۰,۰۱۳	۲,۵۳	۰,۱۷۷	۰,۰۶۱	تبعیض حقوقی
۰,۰۴۵	۲,۰۳	۰,۱۶۱	۰,۰۶۷	تبعیض سیاسی
۰,۰۰۰	۶,۳۶	۰,۴۴۷	۰,۰۶۸	تبعیض اقتصادی
۰,۲۱۹	۱,۲۳	۰,۱۳۰	۰,۰۹۶	تبعیض اجتماعی
۰,۰۱۳	۲,۵۲	۰,۲۷۳	۰,۰۹۱	تبعیض فرهنگی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

رسیدن به توسعه برابر و پایدار در جامعه بدون در نظر داشتن نقش و جایگاه زنان روستایی در کشور امری دست‌نیافتنی است. فراموش کردن زنان روستایی در برنامه‌های توسعه و نداشتن برنامه ریزی برای شناسایی و رفع موانع فراروی آنان برای بهبود میزان مشارکتشان در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه ابعاد اقتصادی، می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری را به پیکره اجتماع وارد کند و فرایند توسعه روستایی را با تأخیر جدی روبه‌رو کند [۴]. براساس نتایج مطالعه صورت گرفته، تنها مشارکت اقتصادی بین پاسخگویان در حد متوسط به بالاست؛ بدین معنا که زنان روستایی در بعد اقتصادی نقش مهمی ایفا کرده به‌خصوص در زمینه‌های کشاورزی، دامداری، صنایع دستی روستایی و... که این‌ها به افزایش درآمد خانوارها و بهبود وضعیت اقتصادی جامعه منجر شده

است. لیکن با وجود تأثیر بسزای زنان در امور اقتصادی روستا، از سود و درآمد آن سهم ناچیزی دریافت کرده و به عبارتی می‌توان گفت به‌عنوان کارگران بدون مزد محسوب می‌شوند. یک نمونه از تبعیض اقتصادی در نواحی روستایی مربوط به دستمزد پایین زنان در برابر مردان در شرایط یکسان است. در واقع، بیشترین تأثیرات تبعیض جنسیتی بر مشارکت زنان روستایی مربوط به مشارکت اقتصادی است. از این رو، تبعیض جنسیتی در روستاها سطح مشارکت اقتصادی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و زنان از نظر اقتصادی وضعیت مطلوبی ندارند. با توجه به میزان معناداری به‌دست‌آمده، شاخص‌های مشارکت معنادار بوده و قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارد. با وجود این، مشارکت رفتاری و فرهنگی از حد متوسط ۳ کوچک‌تر است. همچنین بین همه ابعاد متغیر تبعیض جنسیتی به جز بعد تبعیض حقوقی با مشارکت، رابطه‌ای مستقیم با شدت همبستگی متوسط برقرار است. بررسی میزان اثرگذاری مؤلفه‌های تبعیض جنسیتی بر مشارکت نیز بیانگر این است که مقدار بتا در این مدل در متغیرهای تبعیض حقوقی ۰/۱۷۷، تبعیض سیاسی ۰/۱۶۱، تبعیض اقتصادی ۰/۴۴۷، تبعیض اجتماعی ۰/۱۳۰ و تبعیض فرهنگی ۰/۲۷۳ است. بزرگ‌بودن مقدار بتا نشان‌دهنده اهمیت نسبی و نقش تبعیض جنسیتی بر مشارکت‌پذیری زنان است. نتایج حاصل از این مطالعه تا حدی نزدیک به مطالعه صدقاتی فرد و سخامهر (۱۳۹۲) است؛ براساس این تحقیق نیز بین ابعاد مختلف نابرابری جنسیتی (نابرابری حقوقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) بیشترین میزان احساس نابرابری مربوط به متغیر نابرابری حقوقی است و بین ابعاد متغیر نابرابری جنسیتی با متغیر مشارکت اجتماعی رابطه معناداری مشاهده نشد؛ به غیر از بعد سیاسی نابرابری جنسیتی که رابطه معنادار و معکوس با مشارکت اجتماعی داشته است. در مطالعه پورطاهری و پوروردی نجات (۱۳۸۸)، که نابرابری جنسیتی بین زنان مناطق روستایی سنجیده شده است، بین زنان روستایی گیلان در ابعاد نابرابری جنسیتی (حقوقی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) بیشترین میزان نابرابری مربوط به متغیر نابرابری فرهنگی و بعد از آن متغیر نابرابری اجتماعی (در حد زیاد) بوده است. همچنین بخارائی (۱۳۹۴) در مطالعه خود به این نتیجه رسیده است که نابرابری جنسیتی در بعد اقتصادی و فرهنگی تا حد زیادی به نفع مردان است که نتایج آن همسو با نتایج مطالعه حاضر است. طبق نظریه فارست (۱۳۸۶)، توانمندسازی به معنای به چالش کشیدن مناسبات سنتی قدرت بین زن و مرد و تلاشی برای بازتوزیع قدرت و منابع جهت یاری به فقر است. براساس این رویکرد، کاهش نابرابری مستلزم رفع و کاهش آن در ابعاد مختلف از طریق مشارکت واقعی زنان در همه مراحل برنامه‌ریزی و همچنین سهیم‌بودن آنان در منافع طرح‌ها و برنامه‌هاست. از این رو، نتایج این پژوهش با این نظریه همسو نیست. همچنین طبق نظریه لایه‌بندی جنسیتی بلوم برگ، کنترل بر منافع اقتصادی به زنان قدرت اقتصادی می‌دهد و این قدرت بر قدرت سیاسی، منزلتی و منابع دیگر لایه‌بندی تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، اگر زنان فعالیت اقتصادی گسترده داشته باشند، موجب می‌شود که از

قدرت زیادی برخوردار شوند. از این رو، نتایج این پژوهش با این نظریه همسوست و آن را تأیید می‌کند. با توجه به نتایج مطالعه به منظور افزایش مشارکت اجتماعی زنان و کاهش تبعیض جنسیتی که در بسیاری از موارد زنان خود در ایجاد و تشدید آن نقش دارند، اثبات اهمیت حضور زنان به خودشان و تقویت اعتماد به نفس آنهاست که در این راستا رسانه‌ها و آموزش نقش مهمی دارند. افزایش آگاهی زنان روستایی در مورد ارزش‌های ذاتی و توانایی‌های آنان جهت حضور در جامعه، بالا بردن سطح سواد زنان روستایی و در نتیجه استفاده از نیروهای فعال زنان روستایی پیشرو مانند معلمان، به‌ورزان، مربیان نهضت سوادآموزی و... ارتقای نقش زنان در فرایند تصمیم‌گیری از طریق تشکیل گروه‌هایی که به طور انحصاری متشکل از زنان یا زنان و مردان است و می‌توانند اهمیت نقش زنان روستایی را در سطح محلی برجسته کنند. نباید از اهمیت مدیران روستایی در تغییر برخی قوانین و باورهای غلط، فرهنگ‌سازی برای برابری جنسیتی و بها دادن بیشتر به زنان در زمینه فعالیت‌های اقتصادی و افزایش سهم آنان از درآمدها غافل شد.

## منابع

- [۱] برقی، حمید؛ تقدیسی، احمد؛ تازیکی، رقیه؛ نادرخانی، زلیخا (۱۳۹۲). «بررسی میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی (دهستان استرآباد شمالی شهرستان گرگان)». *برنامه‌ریزی فضایی*، ش ۴، ص ۱۵۵-۱۷۴.
- [۲] پورطاهری، مهدی؛ پوروردی نجات، مینو (۱۳۸۹). «سنجش نابرابری جنسیتی بین زنان روستایی (مطالعه موردی: استان گیلان)». *دانش‌نامه علوم اجتماعی*، ش ۲، ص ۱۱۵-۱۵۵.
- [۳] جمعه‌پور، محمود (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی روستایی، دیدگاه‌ها و روش‌ها*. تهران: انتشارات سمت.
- [۴] رضایی، روح‌الله؛ ودادی، الهام (۱۳۹۲). «شناسایی و تحلیل موانع مشارکت اقتصادی زنان در مناطق روستایی استان زنجان». *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ش ۳، ص ۵۰۱-۵۱۰.
- [۵] روشن‌نیا، داود؛ خادمی، رقیه؛ کردی، لیلا؛ صلحی فام اصل، ژیللا (۱۳۹۴). «بررسی نقش زنان روستایی در توسعه و موانع و محدودیت‌های آن». *ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه*، ش ۱۹۰، ص ۱-۱۷.
- [۶] صداقتی فرد، مجتبی؛ سخامهر، میترا (۱۳۹۲). «تأثیر نابرابری جنسیتی بر میزان مشارکت اجتماعی زنان». *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ش ۱۰، ص ۴۳-۶۰.
- [۷] صفری شالی، رضا (۱۳۸۷). «عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی و اجتماعی». *وزارت علوم*، ش ۲۵، ص ۱۳۷-۱۶۱.
- [۸] نبوی، سید عبدالحسین؛ احمدی، لیلا (۱۳۸۶). «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در نابرابری جنسیتی نمادی خانواده (نابرابری در قدرت تصمیم‌گیری)». *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ش ۲، ص ۵۹-۸۲.
- [۹] نیسی، خدیجه؛ جوانمردی، منوچهر (۱۳۹۴). «بررسی شاخص‌های توسعه انسانی با تأکید بر تبعیض و نابرابری جنسیتی در نواحی روستایی». *فصل‌نامه علمی-پژوهشی زن و فرهنگ*، ش ۲۵، ص ۱۰۷-۱۱۷.

- [10] Alam, A. (2011). "Impact of Gender Discrimination on Gender Development and Poverty Alleviation", *Sarhad J. Agric.* Vol.27, 2, PP 329- 339.
- [11] Alesina, A., Giuliano, p., Nun, N. (2013). "On the Origins of Gender Roles: Women and the Plough", *Quarterly, Journal of Economics*, 168, PP 469- 530.
- [12] Balamouné-Lutz, M., & McGillivray, M. (2015). "The impact of gender inequality in education on income in Africa and the Middle East", *Economic modelling*, 47, PP 1-11
- [13] Beauraina, G., & Masclat, D. (2016). "Does Affirmative Action Reduce Gender Discrimination and Enhance Efficiency?", *New Experimental Evidence*, 90, PP 350- 362.
- [14] Dollar, D., & Gatti, R. (1999). "Gender Inequality, Income, and Growth: Are Good Times Good for Women?", *Policy research report on gender and development*, 1, PP 1- 40.
- [15] Elliot, J.A. (1994). "An Introduction to Sustainable Development", *The Developing World*, London and New York: Rutledge, pp. 1- 302.
- [16] Evans, K., Flores, S., Larson, A.M., Marchena, R., Müller, P., Pikitle, A. (2016). "Challenges for women's participation in communal forests: Experience from Nicaragua's indigenous territories", *Women's Studies International Forum*, PP 1- 10.
- [17] Fuwa, M. (2004). "Macro-level Gender Inequality and the Division of Household Labor in 22 Countries", *American sociological review*, 69, PP 751-767.
- [18] Grigorian, H. (2007). "Impact of Gender Mainstreaming in Rural Development and Millennium Development Goals (MDGs)", *UNDP Gender Mainstreaming Annual Conference Islamabad, Pakistan*, PP 1-32.
- [19] Handaragama, S., Rathnayake, H., Uluwaduge, P. (2013). "Womens Economic participation in Rural Development", *International Journal of Education and research*, 1(8), PP 1-18.
- [20] Heathcote, J., Storesletten, K., Violante, G.L. (2017). "The Macroeconomics of the Quiet Revolution: Understanding the implications of the rise in women's participation for economic growth and inequality", *Research in Economics*, 71, PP 521- 539.
- [21] Hippert, ch. (2011). "Women's spaces, gender mainstreaming, and development priorities: popular participation as gendered work in rural Bolivia", *Women's studies international forum*, 34, PP 498- 508.
- [22] Holmes, R., Jones, N., (2010). *Rethinking social protection using a gender lens*, Synthesis paper published by Overseas Development Institute, London.
- [23] Homan, P. (2017). "Political gender inequality and infant mortality in the United States, 1990–2012", *Social Science & Medicine*, 182, PP 127-135.
- [24] Jayachandran, S. (2014). "The Roots of Gender Inequality in Developing Countries", *Annual Review of Economics*, 7, PP 63- 88.
- [25] Kaaria, S., Osorio, M., Wagner, S., Gallina, S. (2016). "Rural women's participation in producer organizations: An analysis of the barriers that women face and strategies to foster equitable and effective participation", *Journal of Gender, Agriculture and Food Security*, 1(2), PP 148-167.
- [26] Karpowitz, Ch., Mendelberg, T., Shaker, L. (2012). "Gender inequality in deliberative participation", *American Political Science Review*, 106, PP 533- 547.
- [27] Kongolo, M., & Bamgose. (2002). "Participation of rural women in

- development: a case study of tsheseng, thintwa, and makhalaneg villages”, *South Africa; journal of international women's studies*, 4, PP 79- 92.
- [28] Luqman, M., Ashraf, E., Zakaria, M., Hussan, Y., Munir Butt, T., Iftikhar, N. (2011). “Exten of Rural Women’s Participation in Agricultural Activities”, *International Journal of Agricultural Management & development (IJAMAD)*, 1(2), PP 25-32.
- [29] Perugini, C., & Vladisavljevic, M. (2019). “Gender inequality and the gender-job satisfactio paradox in Europe”, *Labour Economics*, 60, PP 129-147.
- [30] Ponthieux, S., Meurs, D. (2015). “Gender Inequality”, *Handbook of Income Distribution*, 2, PP 980- 1119.
- [31] Sikia, H. (2011). “Transformation of Rural Gender Discrimination and Women’s Empowerment in assam. Asian Journal of Literature”, *Culture and Society*, 5, PP 33-50.
- [32] Tudora, D., Banicab, A., Istrate, M. (2015). “Evaluation of gender disparities from the Balkan countries”, *Procedia economics and finance*, 20, PP 654-664.
- [33] Valino Ces, A., & Alonso Salgado, C. (2014). “Legal analysis of the discrimination against women in relation to shared ownership in the farms”, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 161, PP 136- 141.
- [34] Venera, Z. (2014). “Gender inequality in Russia: the perspective of participatory gender budgeting”, *Reproductive Health Matters*, 22(44), PP 202- 212.
- [35] Yuerlita, (2017). “Women’s partipation in a rural water supply and sanitation project”, *Redefining Diversity & Dynamics of Natural Resources Management in Asia*, 4, PP 89-102.